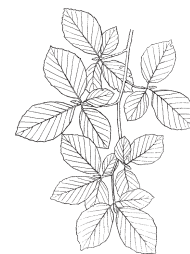


Identity  
By Jeanne D'Arc  
International Liberation Reference  
Person for LGBTQ People



هویت

نوشته «ژان دارک»

شخص مرجع بین المللی رهاسازی

مردم: زن همجنس گرا، مرد همجنس باز، دوجنس گرا،

همجنس گرا، تغییر جنسیت گرا.



هویت یک موضوع پر طرفدار است که اغلب روی آن بحث و گفتگو شده ولی بندرت فهمیده و درک شده است. بما آموخته شده که بی چون و چرا بپذیریم که فرق و جدایی بین انسان ها عادی است. از نظر تاریخی، هویت قومی و نژادی بین مردم مرز های مشروع تشخیص داده شده و پیاده شده است. دورنمای فرهنگی پذیرفته شده یک چیزی مثل: «ما مثل آنها نیستیم، آنها هم مثل ما نیستند، ما با آنها فرق داریم» است.

در چند قرن گذشته جنگ ها، آزار و اذیت ها، نسل کشی ها همه از باور ها و با فرض درست و صحیح بودن این نوع اختلافات مشروعیت یافته است. میلیون ها مردم جابجا شده اند و از لحاظ سیاسی محروم گشته یا کشته شده اند زیرا یک گروه تصمیم می گیرد که گروه دیگر یا گروه های دیگر برای بقاء آنها خطر آفرین هستند. پس از عواقب شکنجه و آزار و تحت سلطه قرار گرفتن، یکبار چنانچه فشار سازگار شدن از روی گروه بدخیم برداشته شود، باور ها و رفتار گروه تحت سرکوب بصورتی تجدید هویت کرده بازسازی فرهنگی می کنند.

در نیمه دوم قرن بیستم، سیاست های هویت و استرداد فرهنگ های رو به زوال و سقوط، محیطی دوگانه، از درون مثبت و جدا گرا بین گروه ها ایجاد کرد.

این ترکیب افتخار و خشم بر خطاکاری های گذشته، منجر به محیطی شد که موجب بوجود آمدن اول هویت های زن و مرد همجنس-باز و مدت کمی بعد دوجنس-گرا شد. بدلیل محدودیت های موجود، مردم تغییر-جنسیت-گرا و همچنین مردم همجنس-گرا بعداً ظاهر شدند.

هویت خلاصه ای از اینکه «ما» و مردم ما چه کسانی هستیم می باشد. آنها تصویر و اطلاعاتی هستند از چگونگی آنچه که ما درباره خود و مردم خود یاد گرفته ایم. آنها مملو از درد های تخلیه نشده گذشته و بجا مانده از نا امیدی ها و خیانت ها، دشمنی های خانوادگی، جنگ ها و سایر

ادامه.....

دلخوری هایی که دلیل جدایی و اختلاف های ما با دیگران و منافع آنهاست می باشد. این از نظر سیاسی، فرهنگی و در سطح جهانی کاربرد دارد.

این پدیده در دنیای همجنس گرایان بر خلاف و فرق با دنیای غیر همجنس بازان ( ناهمژاد ها ) است. درونی کردن احساساتی چون متفاوت بودن، عوضی بودن، بدتر یا بهتر بودن، بالاتر بودن، سبب جدایی اجزاء ما از مسیر اصلی که دنیای نا همژاد ها است میگردد.

سلطه و فشاریکه اجزاء ما را نشانه گرفته مرتب ضبط آزردهگی « اختلاف و جدایی » را تکرار می کند. الگوهای آزردهگی تخلیه نشده خود را تکرار میکنند، لذا ضبط آزردهگی ها مرتباً اختلاف و فرق داشتن را تقویت و بازگو می کند. در نتیجه اجزاء ما جدایی « میخواهند » و رسمی گشتن این اختلاف را در جهان می طلبند.

این وضعیت، سبب میگردد که اجزاء ما در بلند مدت مصلحت خود را جدا از مصلحت نا همژاد ها ببینند.

هویت و سیاست های هویت در شرایط کنونی و در بلند مدت، برای رابطه ما با سایر گروه ها ، بی معنی است. آزردهگی های باقیمانده از درگیری های گذشته می باشد و می بایست با روند تخلیه پاک و حذف گردد.

آینده ما احتمالاً بوسیله مرز های هویت یا جغرافیایی تعیین نمی گردد. ولی حقیقت کنونی ما می بایست شامل هویت هایی که در تمامی جهان قبول دارند باشد، به آنها احترام بگذارند، و بدانند که فرق نمیکند تا چه اندازه این هویت ها عزیز باشند ، هنوز نمونه و الگوهای موقت هستند. با شرایط امروزی جامعه سلطه گر، هویت ها می توانند و گاه از خارج مانند سنگر بر علیه سلطه عمل میکنند.

حقیقت ما را بسوی یکدیگر جلب میکند : احساسات و دوستی های مشترک و اولویت های ما بعنوان انسان، و طرح و برنامه های مشترک ما برای پاک و تمیز کردن و برخورداری از زمین مان.



TIM JACKINS